The role of cultural capital in the development of social capital from the perspective of positive Islamic teachings

Seyyed Reza Mousavi[1] *Ali Asghar Fazilat* [2] *Reza Zarei Samangani*[3]

Abstract

The purpose of this study is to examine the role of cultural capital in the development of social capital from the perspective of Islamic positive teachings. Cultural capital, as a set of values, beliefs, knowledge, and skills that are transmitted through social interactions, can play a significant role in strengthening social bonds and developing social capital. Islamic positive teachings also emphasize ethics, justice, empathy, and cooperation, which are related to various dimensions of cultural capital. The research method is descriptive and analytical. The findings of the study show that cultural capital based on Islamic teachings can act as a key factor in strengthening social trust, increasing civic participation, and developing social networks; also, Islamic positive teachings, by emphasizing moral and social values, provide a suitable context for the growth and development of cultural capital; also, elements of cultural capital such as "science, ethics, values, norms, beliefs, rituals, traditions, and art" are the result of Islamic positive teachings that have a significant effect on the development of social capital; Therefore, there is a meaningful relationship between the elements of cultural capital and the components of social capital, which leads to the development of social capital.

Keywords: social capital, cultural capital, positive teachings, ethics, values, art.

1. Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Gorgan Branch, Islamic Azad University (Corresponding Author)
Email: 2064348166@iau.ir
2. Department of Theology and Islamic Studies, Gorgan Branch, Islamic Azad University
Email: Ali.fazilat.2040@gmail.com
3. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Medicine, Golestan University of Medical Sciences
Email: Rezazareisamangan@yahoo.com

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

«دوفصلنامه فرهنگ پژوهی اخلاق در جامعه اسلامی»

سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۴

نقش سرمایه فرهنگی در توسعه سرمایه اجتماعی از منظر تعالیم ایجابی اسلامی

سیدرضا موسوی[۱] علی‌اصغر فضیلت[۲] رضا زارعی سمنگانی[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۵/۲۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵)

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش سرمایه فرهنگی در توسعه سرمایه اجتماعی از منظر تعالیم ایجابی اسلامی است. سرمایه فرهنگی به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، دانش‌ها و مهارت‌هایی که از طریق تعاملات اجتماعی منتقل می‌شود، می‌تواند نقش بسزایی در تقویت پیوندهای اجتماعی و توسعه سرمایه اجتماعی ایفا کند. تعالیم ایجابی اسلامی نیز بر اخلاق، عدالت، همدلی و تعاون تأکید دارد که این مفاهیم با ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی مرتبط هستند. روش پژوهش، توصیفی و تحلیلی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سرمایه فرهنگی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی می‌تواند به عنوان عاملی کلیدی در تقویت اعتماد اجتماعی، افزایش مشارکت مدنی و توسعه شبکه‌های اجتماعی عمل کند؛ همچنین، تعالیم ایجابی اسلامی با تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی، زمینه‌ای مناسب برای رشد و توسعه سرمایه فرهنگی فراهم می‌آورد؛ همچنین عناصر سرمایه فرهنگی مانند «علم، اخلاق، ارزش‌ها، هنجارها، باورها، آئین‌ها، سنت‌ها و هنر»، برآیند تعالیم ایجابی اسلامی هستند که در توسعه سرمایه اجتماعی اثر شگرفی دارند؛ بنابراین میان عناصر سرمایه فرهنگی و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد که به توسعه سرمایه اجتماعی منجر می‌شود.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، تعالیم ایجابی، اخلاق، ارزش‌ها، هنر.

---

۱. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی (نویسنده مسؤول)
رایانامه: 2064348166@iau.ir

۲. گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی
رایانامه: Ali.fazilat.2040@gmail.com

۳. استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان
رایانامه: Rezazareisamangan@yahoo.com

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

مقدمه

از دهه ۱۹۹۰ میلادی، به ویژه در دو دهه اخیر، «سرمایه اجتماعی»، در اندیشه و آثار پژوهشگران رشته‌های گوناگون همچون جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست، مدیریت، سلامت، آموزش، امنیت و ... ظهور دو چندان یافت. در زمان حاضر، «سرمایه اجتماعی»، به عنوان یکی از مهم‌ترین نظریه‌های میان‌رشته‌ای مطرح و مورد توجه است. به خاطر نقشی که سرمایه اجتماعی، در تولید، توسعه و بهره‌برداری بهینه از سایر سرمایه‌ها به ویژه سرمایه‌های انسانی و اقتصادی دارد مورد اقبال گسترده‌ای قرار گرفته است؛ چراکه سرمایه اجتماعی، پیش‌نیازِ توسعه سایر سرمایه‌ها و در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اثرگذار است. نوآوری این پژوهش از این جهت است که اولاً نظر به شبهه روزآمد نبودن تعالیم دین و تعلّق کارکردهای اجتماعی دین به گذشته (دورکیم، ۱۳۸۲، ۶۱؛ کنت، ۱۳۸۸، ۵۴) و نیز رواج تفکر سکولاریسم و در پی آن، شبهه عدم کارآمدی دین در ذهن و زبان برخی از نواندیشان مسلمان، این پژوهش می‌تواند مواجهه منطقی با چالش‌های بین دین و مسائل روزآمدی مانند سرمایه اجتماعی باشد. دوم اینکه، مسئله نقش سرمایه فرهنگی در توسعه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در پرتو تعالیم اسلامی ایجابی، کاری نو و ابتکاری است.

سرمایه اجتماعی، دارائی برآمده از «روابطِ» میان افراد و گروه‌های اجتماعی است. این «روابط»، در واقع کنش‌هایی است که در متن هر جامعه‌ای از سوی اعضای آن انجام می‌شود که سبب همکاری، همیاری، همدلی و همزیستی میان افراد است. از این ظرفیتِ برخاسته از روابط افراد و گروه‌هایِ اجتماعی، سرمایه اجتماعی تعبیر می‌شود. این سرمایه، به خاطر تسهیل در روابط اجتماعی و انجام تعهدات، شرایط مناسبی را برای پویایی در سایر عرصه‌ها مانند فرهنگ، اقتصاد، سیاست و غیره فراهم می‌کند. اگر چه سرمایه اجتماعی، در تعامل و رابطه‌ای دوسویه با سایر سرمایه‌هاست، ولی این پژوهش فارغ از تأثیرگزاری و تأثیرپذیری و تعامل

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

سرمایه اجتماعی با سایر سرمایه‌ها، تنها به بررسی تأثیر سرمایه فرهنگیِ تجسم‌یافته در توسعه سرمایه اجتماعی در رهیافت تعالیم ایجابی اسلامی می‌پردازد. هدف این پژوهش، تبیین نقش سرمایه فرهنگی در توسعه سرمایه اجتماعی از منظر تعالیم ایجابی اسلامی است. روش پژوهش، توصیفی- تحلیلی است که با مراجعه به منابع اولیه اسلامی، در صدد است تا به سؤالات تحقیق پاسخ درخور دهد.

فوکویاما، سرمایه اجتماعی را «به مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای غیر رسمیِ مشترک یک گروه که باعث همکاری اعضای یک گروه با یکدیگر می‌شوند» تعریف کرده است (فوکویاما، ۱۹۹۵م)؛ که دارای مؤلفه‌ها و اجزائی به شرح ذیل است:

الف) اعتماد اجتماعی: «گونه‌ای رابطه کیفی است که امکان عمل کردن را تسهیل می‌کند» (کلمن، ۱۳۷۷، ۲۷). اعتماد اجتماعی، خطرپذیری در ارتباط و مواجهه با دیگران است، با این تصور که رفتار آنان مطابق انتظاری که از آنان می‌رود خواهد بود (شارع پور، ۱۳۸۵؛ والر و همکاران، ۲۰۰۷)؛ بنابراین، اعتماد اجتماعی، بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأییدشده اجتماعی که افراد، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی با یکدیگر دارند دلالت دارد.

ب) مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی، به معنای حضور افراد و گروه‌ها در فعالیت‌ها، تصمیم‌سازی‌ها و تحولات اجتماعی است. «این مشارکت، هم برای فرد رضایت‌بخش است و هم عامل شکل‌دهی روابط و هم سازنده شبکه‌های حمایتی بالقوه است» (اسماعیلی، ۱۳۸۵، ۷۶).

ج) تعاملات اجتماعی: تعاملات اجتماعی، به کنش‌ها و روابط اجتماعی میان افراد و گروه‌ها اشاره دارد و سبب هماهنگی و انسجام اجتماعی می‌شود. تفاوت تعامل و مشارکت اجتماعی این است که مشارکتِ اجتماعی، بیشتر یک‌سویه و متکی به اراده مشارکت‌کننده است؛ ولی تعاملات اجتماعی، به کنش‌های اجتماعیِ دو یا چند سویه اشاره دارد؛ یعنی افراد و گروه‌ها در برابر هر کنشی، واکنشی را دریافت می‌کنند.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

این پژوهش در صدد است تا نقش سرمایه فرهنگی بر توسعه سرمایه اجتماعی را بررسی کند؛ از این رو، به اختصار، فرهنگ و سرمایه فرهنگی تعریف می‌شود: «فرهنگ[1] به معنای رسوم، باورها، هنر، سبک زندگی و سازمان اجتماعی یک کشور یا گروه خاص است» (ترنبول، ۲۰۱۵، ذیل واژه). اجزای فرهنگ را، «دانش» (ابرامی، ۱۳۸۳، ۷۹)، «باورها، نگرش‌ها، ایدئولوژی، اخلاق و هنر» (پین، ۱۳۸۶، ۴۵–۵۳)، «سنت‌ها و آئین‌ها» (معین، ۱۳۸۶، ذیل فرهنگ) دانسته‌اند؛ اما سرمایه فرهنگی، «دربرگیرنده تمایلات پایدار فرد و گرایش‌ها و عاداتی است که طی فرآیند جامعه–پذیری حاصل می‌شوند و شامل کالاهای فرهنگی، مهارت‌ها و انواع دانش‌های مشروعه است» (بوردیو، ۱۹۸۶، ۴۷).

سرمایه فرهنگی سه گونه است: ۱. «سرمایه فرهنگیِ تجسم‌یافته»، بخش ناملموس این سرمایه است که به صورت دانش، معرفت، باورها، اخلاق، تربیت، رفتارها و اعمال، آئین‌ها، سنت‌ها، هنر و زیباشناسی، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک در یک گروه تجسم یافته و به صورت قابلیت‌های ذهنی، مهارت‌های عملی و رفتاری در شیوه سخن گفتن، باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های فرد تجلی می‌یابد. ۲. سرمایه فرهنگیِ عینیت‌یافته، عبارت است از مجموعه میراث‌های فرهنگی مانند: آثار هنری، تکنولوژی ماشینی و قوانین علمی که به صورت کتب و اسناد در تملک اختصاصی افراد بوده و قابل انتقال به دیگران است. ۳. سرمایه فرهنگیِ نمادین که به مدد ضوابط اجتماعی، برای افراد موقعیت کسب می‌کند؛ مانند مدرک تحصیلی و گواهینامه حرفه کار. این سرمایه قابل واگذاری نیست (بوردیو، ۱۹۸۶، ۴۷)؛ بنابراین، سرمایه فرهنگی، در قالب سرمایه معنوی و به صورت علم، دانش، معرفت، باورها، ایده‌ها، اخلاق، رفتارها، آئین‌ها، سنت‌ها، هنر و زیباشناسی، ارزش‌ها و هنجارها نمایان می‌شود.

1. Culture

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

این پژوهش می‌کوشد تا نقش سرمایه فرهنگی در توسعه سرمایه اجتماعی را با رویکرد تعالیم اسلامی ایجابی بررسی کند. تعالیم اسلامی، به مجموعه‌ای از باورها، عقاید، ارزش‌ها، احکام و قوانین اجتماعی گفته می‌شود که منشأ آن قرآن و سنت است (طباطبائی، ۱۹۹۷، ۴۲۳/۱). بر خلاف تصور عمومی که تنها برای قوانین و اخلاق اجتماعی، در توسعه سرمایه اجتماعی نقش قائل‌اند، اما نقش تعالیم و اخلاق فردی، از قبیل نماز، روزه، علم‌آموزی و اخلاق و باورها (علق، ۱۴؛ قیامت، ۳۶)، در حفظ و توسعه سرمایه اجتماعی و کاهش بزه‌کاری‌ها برجسته است (عنکبوت، ۴۵). کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی، سبب تقویت اعتماد عمومی، تحکیم روابط مؤثر افراد و گروه‌ها و مشارکت اجتماعی می‌شود که برآیند آن توسعه سرمایه اجتماعی است.

علی رغم انکار نقش آموزه‌های دینی در توسعه سرمایه اجتماعی از سوی برخی از اندیشمندان، اما عده‌ای نقش آن را پذیرفته‌اند. فوکویاما، تعالیم دینی را از عوامل اصلی توسعه سرمایه اجتماعی می‌داند (فوکویاما، ۱۳۸۴، ۱۹۶). گریلی، وارنر، روف و آمرمان، از «دین» به عنوان عامل موجِد سرمایه اجتماعی یاد کرده‌اند (شجاعی، ۱۳۸۱، ۴۸۵). از نظر پارسونز، به خاطر جهت‌گیری مثبت اسلام به دنیا و جامعه و سیاست و تأکید فراوان بر مسئولیت‌های اجتماعیِ اهل ایمان، زمینه بروز سرمایه اجتماعی در جامعه اسلامی، بیش از جوامع سایر ادیان است (پارسونز، ۱۹۵۱، ۷۰).

پیشینه

۱. اصطلاح «سرمایه فرهنگی»، نخستین بار از سوی پیِر بوردیو (۱۹۷۳) جامعه‌شناس فرانسوی مطرح شد. بعد از او، کاربرد این اصطلاح عمومیت یافت. از نظر بوردیـو، «سرمایه فرهنگی»، به عنوان یک رابطه اجتماعی درون‌سازواره‌ای از تعاملات که مشتمل بر دانش فرهنگی انباشته است عمل می‌کند و منتهی به قدرت

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

و منزلت می‌شود» (هارکر، ۱۹۹۰، ۱۳).[1] فرهنگ از نظر او مانند نوعی اقتصاد یا بازار است و تمام افراد بشر، چه فعال و چه منفعل، یک کنشگر هستند (فکوهی، ۱۳۸۱ش، ۱).

از نگاه بوردیو، در نتیجه فرایند تقسیم کار و تفکیک امور، جهان باز و کلان اجتماعی به میدان‌های کوچک و بسته بسیاری، از قبیل میدان‌های هنری، سیاسی، دانشگاهی، دینی و ... تقسیم شده است. این جهان‌های کوچک یا میادین، جزئی از جهان اجتماعی‌اند که به شکل خودمختار عمل می‌کنند. هر کدام منافع، مباحث، قوانین و اهداف خاص خود را دارند. هر فردی در آن واحد، عضو میدان‌های بسیاری است و در هر میدانی، جایگاه متفاوت دارد. شرط ورود به هر میدانی، آشنایی و تسلط با قوانین داخلی آن مانند فرهنگ، زبان و ارزش‌های آن است. در غیر این صورت، از آن حذف شده یا مورد خشونت نمادین قرار خواهد گرفت؛ بنابراین، داشتنِ «سرمایه فرهنگی» و «سرمایه اجتماعی» (به معنای مناسبات و روابط اجتماعی) و «سرمایه سمبولیک» (نام و نشان و افتخارات)، عملاً شرط ورود به این میادین است؛ چراکه در هر میدانی، میان بازیگران یا گروه‌های اجتماعی، چهار نوع سرمایه وجود دارد که در دیگری اثر می‌گذارند و متأثر می‌شوند: ۱. سرمایه اقتصادی، یا ثروتی که هر کنشگر اجتماعی در دست دارد. ۲. سرمایه اجتماعی، یعنی شبکه‌ای از روابط فردی و گروهی که هر فردی در اختیار دارد و یا می‌تواند در اثر عضویت در شبکه اجتماعی به دست آورد. ۳. سرمایه فرهنگی یا قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد. ۴. سرمایه نمادین، مانند پرستیژ، حیثیت، احترام و قابلیت‌های فردی در رفتارها (کلام و کالبد) که فرد در اختیار دارد (فکوهی، ۱۳۸۱، ۳۰).

نقد و بررسی: در باور بوردیو، فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی را طبقات والای اجتماعی جامعه تعیین می‌کنند؛ در حالی که این فرضیه، با واقعیت‌های عینی جامعه

1 . Harker R."Education and Cultural Capital …

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

مغایر است؛ چراکه فرهنگ، یک پدیده اجتماعی است و افراد و گروه‌ها اعم از عالی و دانی و بهنجار یا نابهنجار، در تعیین ارزش‌های فرهنگی جامعه سهیم هستند و تغییر سرنوشت هر جامعه‌ای، به تغییر وضع و حال اغلب مردم وابسته است. «إِنَّ اللهَ لاَ يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد، ۱۱).

جامعه‌شناسان، عواملی همچون اقلیم، موقعیتِ جغرافیایی، مذهب، عوامل تاریخی، تعامل یا تعارض فرهنگ‌ها یا خرده‌فرهنگ‌ها را نیز از عوامل تعیین‌کننده فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی می‌دانند؛ بنابراین، اولاً، سرمایه فرهنگی، یک سازواره و مجموعه مرتبط با یکدیگر است که هم خود به عنوان یک دارائی و توانایی حضور دارد و هم همراه با سایر سرمایه‌ها (اقتصادی و اجتماعی)، در هر میدانی میان کنشگران اجتماعی مبادله می‌شود و بدین ترتیب در همه میادین نقش جدی دارد. ثانیاً، داشتن «سرمایه فرهنگی»، برای هر کنشگری، لازمه ورود به میادین اقتصادی و اجتماعی است و نقش مهمی در توسعه سرمایه اجتماعی دارد.

۲. صمد رسول زاده و همکاران (۱۳۹۲)، در اثری با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختیِ رابطه سرمایه اجتماعی با کجروی فرهنگی» آورده‌اند: میان ابعاد سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام و تعاملات اجتماعی) با کاهش کجروی فرهنگی (رفتارهایی که با هنجارهای فرهنگی سنتی و رسمی غالب جامعه مغایر هستند)، رابطه معنادار وجود دارد.

۳. شیما صدقی و سروش فتحی (۱۳۹۵)، در اثری با عنوان «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مصرف کالاهای فرهنگی در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر دامغان»، به این نتیجه رسیده‌اند که بین سرمایه اجتماعی دانش آموزان با مصرف فرهنگی آن‌ها رابطه معنادار وجود دارد.

۴. مهدی حسنوند (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «رابطه بین سرمایه اجتماعی، فرهنگی و احساس امنیت در بین زنان خرم آباد» می‌نویسد: یافته‌های آزمون آماری نشان داد که بین احساس امنیت با متغیرهای زمینه‌ای تحصیلات، شغل و محل

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

سکونت رابطه معناداری وجود دارد؛ همچنین بین متغیرهای سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی با مقوله احساس امنیت زنان در شهرستان خرم آباد رابطه معنادار وجود دارد.

۵. کریم حمدی و مینا اصفهانی (۱۳۸۷)، در مقاله «نقش مدیران فرهنگی در حفظ و ارتقاء سرمایه اجتماعي»، با بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی به این یافته رسیده‌اند که بین ایجاد اعتماد متقابل، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، ایجاد گروه‌های غیررسمی و بسترسازی فرهنگی توسط مدیران و ارتقاء سرمایه اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.

۶. سمیه صمدی و سعید تمنا (۱۳۹۵) در مقاله «رابطه سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی با میزان آگاهی دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی»، به این یافته رسیدند که بین شاخص‌های سرمایه فرهنگی نظیر تمایلات و گرایش‌های روانی فرد، مصرف کالاها و فرآورده‌های فرهنگی، مدارک و مدارج تحصیلی با میزان آگاهی دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی نیز رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

۷. محمود کتابی و همکاران (۱۳۸۳) اثری با عنوان «دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی» ارائه کرده‌اند با هدف ارائه رهیافتی که در قالب آن از یک سو، دین از طریق ابعاد اعتقادی، عاطفی، مناسکی و ...، سبب فعلیت سرمایه اجتماعی می‌شود و از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی نیز از طریق ایجاد شبکه‌های اعتماد و پیوند کنشگران زمینه ایجاد و توسعه اجتماعی و فرهنگی پایدار را فراهم می‌آورد.

۸. امان الله فصیحی (۱۳۸۶) در کتاب «دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی»، به بررسی نقش دین در ایجاد سرمایه اجتماعی پرداخته است. وی عناصر اصلی بُعد فرهنگی سرمایه اجتماعی را، باورها و اعتقادات، ارزش‌ها و هنجارها دانسته است؛ اما در این پژوهش، عناصری چون علم، تربیت و اخلاق، آیین‌ها و سنت‌ها، هنر و زیبایی‌شناسی را، در زمره عناصر فرهنگی به شمار نیاورده است؛ همچنین

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

نقش عنصر فرهنگی (باورها و هنجارها) بر سرمایه اجتماعی را به صورت گذرا بیان کرده و به نقش «ارزش‌ها» بر سرمایه اجتماعی اشاره‌ای نکرده است.

وجه اشتراک این تحقیق با پژوهش‌های یادشده عبارت است از: ۱. توجه به سرمایه فرهنگی، به عنوان دارائی و توانایی که قابل سرمایه‌گذاری برای کسب سایر سرمایه‌ها و دستاوردها است. ۲. توجه به رابطه معنادار میان سرمایه فرهنگی با سرمایه اجتماعی.

وجه افتراق و تمایز پژوهش حاضر در این است که این پژوهش درصدد بررسی رابطه سه‌جانبه میان، تعالیم ایجابی اسلامی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی است، در حالی که در سایر پژوهش‌ها بدان پرداخته نشد.

روش تحقیق

اصلی‌ترین بخش مربوط به هر پژوهش، روش منتخب جهت شناسایی شاخص‌ها، شیوه جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل است. روش پژوهش، توصیفی، تحلیلی و انتقادی است و در صدد بررسی نقش سرمایه فرهنگی بر توسعه سرمایه اجتماعی با رویکرد تعالیم اسلامی است. روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است.

نقش عناصر سرمایه فرهنگی در توسعه سرمایه اجتماعی

عناصر سرمایه فرهنگی مانند «علم، اخلاق، ارزش‌ها، هنجارها، باورها، آئین‌ها، سنت‌ها و هنر»، برآیند تعالیم اسلامی ایجابی هستند که در تقویت سرمایه اجتماعی اثر شگرفی دارند؛ بنابراین میان سرمایه فرهنگی و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد که به توسعه سرمایه اجتماعی منجر می‌شود که در ذیل به اهم موارد اشاره می‌شود:

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۱. علم و دانش

ادیان الهی به ویژه ابراهیمی علاوه بر سنت شفاهی، دارای دستورالعمل‌های مکتوب و مدون بوده و با تعلیم و تعلّم قرین‌اند. قرآن، معتبرترین متن اسلام، از جنس کتاب و «به معنای قرائت کردن» است (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ۴۳/۱). این کتاب با عبارت «اِقرَء» آغاز شده و به قلم و هر آنچه می‌نویسند قسم یاد کرده است (قلم، ۱؛ طباطبائی، ۱۳۹۷، ۴۵۹/۲۰). در قرآن کریم، ۷۵۰ بار واژه علم و مشتقات آن و نیز تعابیر مختلفی که وجه اشتراک آن، علم و ادراک است مانند: «عَرَفَ، عَقَلَ، فَکَرَ، فَهِمَ، بصرَ، رأی، نَظَرَ، دَبَرَ[1] بکار رفته است» (لیمُن، ۱۳۹۱، ۳۶۴ و ۴۷۴). در کتاب عقل و جهل و کتاب فضل علم «اصول کافی»، روایات متعددی در فضیلتِ دانش وجود دارد (کلینی، ۱۳۸۵، ۱۰/۱–۸۹؛ حکیمی، ۱۳۹۹، ۳۳/۱–۱۶۴). این میزان پرداختن آموزه‌های اسلامی به موضوع علم، معرفت، عقل و فکر نشان از توجه ویژه تعالیم اسلامی به حوزه علم و دانش و اندیشه دارد.

اما پیوند میان مؤلفه علم و دانش با سرمایه اجتماعی، از این جهت است که از یک سو، هر چه افراد و گروه‌ها از سطح علمی بیشتری بهره‌مند شوند، به همان نسبت برداشت‌های متعالی‌تری از جهان، انسان و جامعه به دست می‌آورند و از توانِ بیشتری برای تحلیلِ روابطِ علی و معلولی حاکم بر پدیده‌ها برخوردار می‌شوند. از سوی دیگر، هر چه نگاه انسان، به جهان و جامعه متعالی‌تر باشد، به همان میزان ظرفیت ایجاد، حفظ و توسعه روابط میان‌فردی مؤثر یعنی سرمایه اجتماعی، بیشتر خواهد شد. از این رو قرآن کریم می‌فرماید: «هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ»؛ بنابراین میان ارتقاء سطح دانش افراد و گروه‌ها و توسعه سرمایه اجتماعی، رابطه‌ای مستقیم و معناداری وجود دارد؛ از این رو، بخش قابل توجهی از رسالت انبیای الهی، رشدِ معرفت و عقلانیتِ جامعه و افزایش آگاهی و دانایی بود تا انسان

۱. از مصدر تدبیر

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

را از جهل و خرافه رها سازد و سبب بهبود و گسترش روابط و مناسبات انسان با خود، افراد و گروه‌ها بشود.

۲. اخلاق اسلامی

اخلاق، در لغت «جمع خُلْق به معنای خوی، طبع، سجیّه و عادت است» (طریحی، ۱۳۷۵ش، ۱۵۶/۵). «علم اخلاق، علمی است که از صفات نیک و بد و راه‌های اتصاف به فضیلت و اجتناب از رذیلت اخلاقی بحث می‌کند» (نراقی، ۱۳۸۳، ۹/۱ و ۲۲). مراد از اخلاق، در این بحث نیز صفات، سجایا و عادات پسندیده‌ای است که در رفتارِ افراد و گروه‌ها ظاهر می‌شود. سطح اخلاق اجتماعی، بر افزایش یا کاهش سطح روابط میان‌فردی و مناسبات اجتماعی اثرگذار بوده و در نتیجه، سبب افزایش یا کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود.

«خُلق عظیم و خویی والا» (قلم، ۴)، از مهم‌ترین ویژگی شخصیتی پیامبر صلی الله علیه و آله است. هدف رسالت ایشان نیز «اتمام مکارم اخلاق» بود (مجلسی، ۱۳۱۵ق، ۳۷۲/۶۷)؛ همچنین رفتار بامحبت و محترمانه، سبب بروزِ کنش‌های مثبتِ عاطفی در دیگران می‌شود (انصاری، ۱۲۰۸، ۲۶۳/۱؛ واسطی، ۱۴۱۸، ۸۳)؛ بنابراین، مهم‌ترین اصل ارتباط میان‌فردی، رعایت اصول اخلاقی است که سبب توسعه، تحکیم و ارتقاء روابط اجتماعی می‌شود.

در عصر مدرنیسم، به سبب توسعه بی‌سابقه فناوری‌های نوین، شاهد پدیده‌های سرعت، دقّت و قدرت در همه عرصه‌ها هستیم. این پدیده‌ها در صورت همراه شدن با ارزش‌های اخلاقی، سبب رشد و تعالی بشر در مناسبات فردی و اجتماعی می‌شود. در غیر این صورت، با گسترش گرایش نسبی‌گرایی، لذت‌گرایی و سودگروی، فرصت‌ها تبدیل به تهدید خواهد شد. چنانچه نسبی‌گرایی، سودگرایی و لذت‌گرایی اخلاقی (استوارت میل و آروست، ۱۳۸۹، ۱۰۲)، سهم فراوانی در توسعه ناهنجاری‌های اخلاقی، گسترش مواد مخدر، داروهای توهم‌زا و مشروبات الکلی دارد که در

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

دنیای مدرن و انسان متجدد شاهد آن هستیم (سخاوت، ۱۳۸۵، ۱۱۳ و ۱۳۰؛ بهرامی، ۱۳۹۹، ۴۷-۳۹) و موارد فوق، موانع مهمی برای توسعه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هستند.

رابطه اخلاق و رشد مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از این جهت است که صفاتی همچون حُسن ظن (حجرات، ۱۲؛ مجلسی، ۱۳۱۵، ۵۸۰/۱۵)، حُسن خُلق (آل عمران، ۱۵۹؛ قمی، ۱۳۴۴، ۶۷۶/۲؛ کلینی، ۱۳۸۵، ۹۹/۲)، عفو، مدارا و تساهل زمینه‌ساز افزایش آستانه تحمل افراد و گروه‌ها، همزیستی مسالمت‌آمیز، توسعه تفاهم میان افراد و گروه‌های اجتماعی می‌شود. همه این موارد، شرایط مناسبی را برای تقویت اعتماد اجتماعی فراهم می‌کند؛ چون در رفتارهای یادشده آثاری مانند صلح، صبر و تحمل، ملایمت، رفق، خضوع و فروتنی، سخاوت، خیرخواهی، صداقت، احترام و مهربانی نهفته است و از آنجا که تشخیص فجور و تقوی به انسان الهام شده است (شمس، ۸)، انسان فطرتاً به ارزش‌های فوق گرایش دارد و بدین ترتیب به دارندگان این ویژگی اعتماد می‌کند.

بنابراین، میان ارتقاء سطح اخلاقی افراد و گروه‌ها و توسعه سرمایه اجتماعی، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد؛ زیرا هرچه افراد و گروه‌ها از سطح اخلاقی بالاتری بهره‌مند باشند، به همان میزان خودکنترلی فردی و نظارت اجتماعی بیشتری نسبت به پرهیز از کجروی و اقبال به رفتارهای درست و بهنجار خواهند داشت که این امر، تأثیر مستقیمی بر تقویت و توسعه روح سرمایه اجتماعی یعنی روابط مؤثر بین افراد و گروه‌ها دارد. علاوه بر این، از آنجا که رهاورد و نتیجه تعالیم اسلامی اخلاقی، گسترش روحیه پرهیز و پارسایی در جامعه است، روابط و مناسبات سالم‌تری میان افراد و گروه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی زمینه توسعه مؤلفه‌ها و عناصر سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، مشارکت اجتماعی و تعامل اجتماعی به مراتب فراهم‌تر می‌شود.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۳. ارزش‌ها، هنجارها و باورها

ارزش، باورِ نسبتاً پایداری است که فرد با تکیه بر آن، یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی را که شخصی یا اجتماعی است، بر یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی که نقطه مقابل حالت برگزیده قرار دارد، ترجیح می‌دهد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸، ۱۱۱). «هنجارهای فرهنگی، معیار رفتارهای ثابتی است که گروه، به لحاظ فکری و رفتاری، یا از دیگران انتظار دارند، یا آنها را تأیید می‌کنند. این هنجارهای فرهنگی غالباً از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر تغییر می‌کند» (کوئن، ۱۳۷۴، ۶۱).

از آنجا که تعالیم اسلامی، بیشترین توجه را نسبت به اجتماع دارد، دارای رویکرد قابل توجهی نسبت به حفظ و توسعه ارزش‌ها و هنجارها است؛ و این توجه از آن روست که «ارزش‌ها و هنجارها»، پایه هر نظام اجتماعی است و نقش بنیادین در پایداری یا تحول نظام اجتماعی ایفا می‌کند.

مهم‌ترین ویژگی «ارزش‌ها و هنجارها» این است که این دو عنصر، از مؤلفه‌های هویت‌بخش هر جامعه است؛ زیرا هرگونه توسعه در ارزش‌ها و هنجارها، سبب تعالی هویت اجتماعی است. افراد و گروه‌های اجتماعی به هر میزان که احساس هویت بیشتری داشته باشند به همان نسبت، آمادگی بیشتری برای پاسداری از سرمایه اجتماعی و تلاش برای توسعه آن دارند. قرآن و متون اسلامی نیز، سرشار از تعالیم و آموزه‌های مبتنی بر الزام یا توصیه در رابطه با پاسداشت و توسعه ارزش‌هایی است که هنجارهایِ برخاسته از آنها به صورت مستقیم یا با واسطه، سبب توسعه سرمایه اجتماعی می‌شود.

ارزش‌هایی مانند: یکتاپرستی و نظارت دائمی خداوند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۸۶/۱۱)؛ و معادباوری (نجم، ۳۹؛ قیامت، ۱۳؛ واقعه، ۵۰؛ زلزال، ۵ـ۸؛ شمس، ۹و۱۰؛ تغابن، ۹؛ حاقه، ۱۳ تا ۳۲؛ معارج، ۸–۳۹؛ مرسلات، ۷ـ۱۹؛ نبأ، ۱۷ـ۴۰؛ نازعات، ۶ـ۱۴؛ انفطار، ۱ـ۱۹؛ انشقاق، ۱ـ۱۵؛ غاشیه، ۱ـ۱۶؛ قارعه، ۱ـ۱۱)، آدمی را در چهارچوبی از قواعد فکری و رفتاری قرار می‌دهند. انسان در این چهارچوب، هر آنچه

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

را که هوا و هوس او طالب است انجام نمی‌دهد؛ بلکه خود را در برابر اراده قادرِ متعال که بر وی ناظر است می‌بیند. این باور، سبب خودکنترلی، دوری از رفتارهای نابهنجار و انجام اعمال بهنجار می‌شود.

پر واضح است که به میزان افزایش رفتارهای بهنجار و کاهش ناهنجاری‌ها، زمینه برای توسعه مؤلفه‌هایی مانند: احترام، همراهی، همدلی، همکاری، وفاق اجتماعی، همزیستی مسالمت‌آمیز و مهربانیدر میان افراد و گروه‌های اجتماعی می‌شود؛ و توسعه این مؤلفه‌ها، سبب توسعه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از قبیل: اعتماد، روابط مؤثر، تعاملات و مشارکت میان افراد و گروه‌های اجتماعی شده و بدین‌سان با توسعه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، این سرمایه نیز توسعه می‌یابد:

۱. رزق حلال: رویکرد قرآن مبنی بر توصیه انسان به کار و رزق حلال (بقره، ۱۶۸؛ عبس، ۲۴)، حاکی از اهتمام دین به رعایت بهداشت در تغذیه است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۱، ۴۲۱/۱). بهداشت در تغذیه، موجب سلامت جسم و روح آدمی می‌شود و انسان سالم، دارای رفتاری بهنجار است و رفتارهای بهنجار، بسترساز توسعه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، به ویژه توسعه و تعمیق اعتماد و تعاملات اجتماعی است.

۲. عزت نفس: شخصی که دارای عزت نفس (منافقون، ۸) است، خود را با ارتکاب رفتارهای ناشایست و نابهنجار، خوار نمی‌سازد. «مَن کَرُمَت عَلَیهِ نَفسُهُ هانَت عَلَیهِ شَهوَتُهُ؛ کسی که برای خود ارزش (انسانی) قائل است، شهوتش نزد او بی‌ارزش می‌شود» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۲۷۸)؛ بنابراین عزت نفس، در افزایش هنجارها و کاهش بزه‌کاری‌ها نقش اساسی دارد که نتیجه آن، توسعه سرمایه اجتماعی (اعتماد، روابط، تعاملات) است.

۳. فروتنی (فرقان، ۶۳؛ اسراء، ۳۷؛ لقمان، ۱۲ـ۱۹؛ حجر، ۸۸). عدالت (مائده، ۸؛ نساء، ۱۳۵)، صداقت (توبه، ۱۱۹)، آزادی (زمر، ۱۷و۱۸؛ بقره، ۲۵۶؛ مائده، ۹۹؛ انعام، ۴۸ و ۳۵؛ هود، ۱۱۸؛ نحل، ۹۳؛ انفال، ۵۳؛ رعد، ۱۱؛ شورا، ۸)، تعاون و همکاری

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

(مائده، ۵)، سبب کاهش پرخاشگری و خشونت در افراد و گروه‌ها می‌شود؛ بنابراین با فروتنی، عدالت و صداقت... فضای حاکم بر روابطِ درون‌فردی و میان‌فردی افراد، سرشار از مدارا، ملاطفت، مهرورزی و عقلانیت شده و کنش‌های مبتنی بر خطا، خشونت و جهالت افراد، کاهش چشمگیری می‌یابد؛ و در نتیجه موجب گسترش اعتماد و تسهیل در توسعه روابط و تعاملات میان‌فردی می‌شود.

۴. بخشش، پاک‌دامنی و عفت (نور، ۳۳)، احترام متقابل (اسراء، ۷۰؛ بقره، ۳۴؛ مائده، ۳۲)؛ وفای به عهد (مائده، ۱؛ اسراء، ۸؛ مؤمنون، ۳۴؛ رعد، ۲۰)؛ صلح (نساء، ۱۲۸؛ انفال، ۵۹ـ۶۲)؛ و آرامش و امنیت (فتح، ۴؛ کهف، ۱۴؛ فجر، ۲۷ـ۳۰؛ اعراف، ۱۸۹؛ بقره، ۲۷۴)، سبب گسترش صمیمیت و تعلّق عاطفی و احساس همدلی و اعتماد افراد و گروه‌های اجتماعی نسبت به یکدیگر می‌شود. در روایت می‌خوانیم: «بخشش و انفاق، سبب آرامش می‌شود» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۵، ۲۵۴/۵). در چنین وضعیتی، زمینه و شرایط برای اعتماد، روابط، تعامل و مشارکت در امور که از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است مهیا می‌شود.

۵. امانت‌داری (نساء، ۸؛ مؤمنون، ۵۸)، زمینه جلب اعتماد دیگران را فراهم می‌کند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۵، ۲۳۱/۴).

۶. صبر، زمینه‌ساز استحکام پیوندهای اجتماعی است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۵، ۲۴۶/۱۸؛ بقره، ۱۵۳، ۲۴۹؛ انعام۳۴؛ آل عمران، ۲۰۰)؛ زیرا صبر، سبب حفظ اعتدالِ روانی افراد در مواجهه با ناملایمات است.

۷. حُسن خُلق، سبب تبدیل دشمنی‌ها به دوستی‌های ریشه‌دار و توسعه اعتماد بین افراد و گروه‌ها می‌شود (فصلت، ۳۴) و اعتماد، مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۵، ۵۹۱/۱).

بنابراین برخی از کارکردهای اجتماعی «ارزش‌ها» عبارت است از:

۱. ایجاد همبستگی، وحدت و یگانگی در جامعه؛ ۲. تعیین شیوه‌های مطلوب تفکر و رفتار در جامعه؛ ۳. ایجاد نظم و هماهنگی در تعاملات اجتماعی بین افراد و

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

گروه‌ها؛ ۴. راهنمایی مردم و تحقق نقش‌های اجتماعی؛ ۵. وسیله‌ای برای کنترل اجتماعی و فشار اجتماعی (نیک‌گهر، ۱۳۶۹، ۲۸۳)؛ و در نهایت، ارزش‌ها، عیارِ هنجارها و قواعد و رفتارهای اجتماعی را شکل می‌دهند.

«هنجارها»، نیز تعیین می‌کنند که مردم چگونه باید در شرایط معین در یک جامعه خاص رفتار کنند.

وجود هنجارها و رعایت آن در گروه و جامعه، باعث همنوایی، نظم، یکپارچگی، وحدت رویه و انسجام در زندگی اجتماعی می‌شود؛ و بالعکس رعایت نکردن آنها به ازهم‌پاشیدگی و گسیختگی و هرج و مرج می‌انجامد (نیک‌گهر، ۱۳۶۹، ۲۹۲).

بنابراین، میان ارتقاء سطح هنجارمداری جامعه و توسعه سرمایه اجتماعی، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد؛ زیرا هر چه افراد و گروه‌ها از سطح هنجارمندی بالاتری بهره‌مند باشند، به همان میزان، خودکنترلی افراد نسبت به دوری از کجروی و گرایش به رفتارهای درست و بهنجار بیشتر خواهد بود که این امر، به تدریج، سبب تحقق نظارت اجتماعی و ایجاد شرایط برای تقویت و توسعه روابط و تعاملات، بین افراد و گروه‌ها می‌شود؛ زیرا «نظارت اجتماعی، به صورت متقابل بر رفتار افراد تأثیر می‌گزارد» (کوئن، ۱۳۷۴، ۱۹۷).

علاوه بر این، از آنجا که رهاورد تعالیم اسلامی، توسعه ارزش‌ها و هنجارهای مطلوب و معروف و گسترش روحیه پرهیز از هنجارستیزی یا هنجارگریزی در جامعه است، روابط و مناسبات سالم‌تری بین افراد و گروه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی، آمادگی اجتماعی برای بهبود زمینه‌های توسعه مؤلفه‌ها و عناصر سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، مشارکت و تعامل اجتماعی بیشتر می‌شود.

۴. آئین‌ها و مناسک و سنّت‌های دینی

دین، در لغت به معنای «آئین، کیش، مذهب، مسلک، اطاعت و جزاء» (قیم، ۱۳۹۳، ۹۰۱/۱؛ زبیدی و فیروزآبادی، ۱۴۱۴، ۲۱۵/۱۸ و ۲۱۶)؛ و «چیزی که معبود

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

به واسطه آن اطاعت می‌شود» است (العسکری ابوهلال، ۱۴۱۲، ۲۹۹)؛ همچنین دین، به معنای «عقاید و اعمال» نیز آمده است (تهانوی، ۱۳۹۶، ۲۹/۱ و ۱۸۷). دین نزد خدا، تسلیم (اراده خدا) شدن است: «انّ الدِّینَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَام» (طباطبایی، ۱۳۹۴، ۷/۳ و ۱۲۶). در سوره روم، دین را یک امر فطری و آیینی خالی از انحراف و فطری معرفی می‌کند: «توجه خود را دائماً به سوی آئینی داشته باش که از هر گونه اعوجاج و کجی خالی است، همان آئین اسلام و همان آئین پاک و خالص خدا است» (روم، ۳۰).

از مجموع موارد فوق می‌توان به این نتیجه دست یافت که: ۱. دین، گونه‌ای از روش زندگی است که در آن، انسان هماهنگ با فطرتش تسلیم اراده خداوند است.

۲. روح دین، تسلیم خدا بودن است و اَشکال این تسلیم، اعمال، عقاید و آئین‌هایی است که در قالب الزام و توصیه‌های صادره از خداوند و به اقتضای ظرفیت انسان‌ها در اعصار پدیدار می‌شود.

از نگاه قرآن کریم و جامعه‌شناسی، همه جوامع، دارای مراسم و آیین‌های دینی‌اند (حج، ۶۷). از نظر گیدنز «مهم‌ترین تحولات فکری مانند تصور زمان و مکان نخستین بار بر پایه آموزه‌های دینی تعریف شدند. چنانچه مفهوم زمان در آغاز، از شمارش فواصل بین آئین‌ها و مراسم دینی به وجود آمدند» (گیدنز، ۱۳۷۶، ۴۹۳)

با رویکرد جامعه‌شناختی، دین، مجموعه‌ای متشکل از باورها و رفتارها (روش–هایی از کنش اجتماعی یا مراسم و مناسک) است. بسیاری از کنش‌های اجتماعی از جنس مراسم و مناسک است که تأثیر آن محدود به زمان و مکان نیست؛ مانند مراسم یا آئین‌های مذهبی عاشورا، شب قدر، جشن تکلیف، ازدواج، وفات و آئین‌های ملی نوروز یلدا و ... که در طول سده‌های متوالی در حیات اجتماعی ما منشأ تحولات و پیدایش هنجارها در کنش‌های فردی و اجتماعی بوده است.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

از مقایسه دین با آئین‌ها، به نظر می‌رسد نسبت این دو، نسبت صورت با محتوا و یا نسبت شکل با معناست؛ زیرا آیین‌ها، وسیله و قالب‌های اجرایی تعالیم و آموزه‌های دینی هستند؛ بنابراین به دلیل وجود چنین رابطه‌ای بین دین و آئین‌ها و مناسک، هرگونه توسعه در تعالیم دینی، توسعه آئین‌ها نیز هست.

علاوه بر آن، از آنجا که آیین‌ها، وسیله و قالب‌های اجراییِ تعالیم و آموزه‌های دینی‌اند، اجرای درست و به دور از آسیب این آئین‌ها، پیامدهای ذیل را به دنبال دارد: پویایی و استمرار دین؛ بازتولید آئین‌ها؛ انسجام و اتحاد بین افراد و گروه‌ها، تقویت هویت گروهی و تعلق افراد به گروه آئینی؛ ایجاد، تسهیل و توسعه ارتباط بین افراد و گروه‌های اجتماعی؛ تخلیه روحی و روانی افراد از کدورت‌ها و بارهای منفی روانی با انجام آئین‌ها و ابراز عواطف و احساسات آئینی؛ که سبب توسعه ارتباط و تعامل با سایر افراد و گروه‌ها، تسهیل در اعتماد و مشارکت اجتماعی است.

«ابن خلدون» می‌نویسد: «آیین دینی، حسد و رقابت‌های منفی را از بین می‌برد» (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ۳۰۲/۱). «اُودی»، می‌آورد: نظم اجتماعی از طریق آیین‌های دینی استحکام می‌یابد. «دورکیم»، ضرورت آئین‌ها و مناسک را برای زندگی اخلاقی بشر مانند ضرورت تغذیه برای جسم می‌داند» (همیلتون، ۱۳۷۷، ۱۷۹)؛ همچنین به گفته «ژان فوراستیه»، پاسخ پرسش‌های کلیدی انسان مانند: انسان کیست؟ زندگی چیست؟ را فقط دین می‌دهد» (فوراستیه ۱۹۰۷، ۱۰۳-۱۰۷). «ساموئل کینگ» معتقد است: «افکار لطیف‌تر و عالی‌تر مذهبی (مانند مفهوم جاودانگی روح)، نیروی الهام و امیدواری و ایمان و شجاعت به وجود آورده است» (کینگ، ۱۳۴۹، ۱۴۶).

این قابلیت‌های دین، به آئین‌ها و مناسک نیز سرایت می‌کند و ضمن فرهنگ‌سازی رفتارهای برخاسته از مناسک و آئین‌های دینی، سبب آثار عدیده‌ای بر رفتارهای افراد و گروه‌ها در جامعه می‌شود که مجموعه این آثار به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، اسباب ایجاد، توسعه و تسهیل روابط، تعاملات بین افراد و گروه‌ها، افزایش سطح مشارکت و نیز اعتماد آنان به همدیگر (سرمایه اجتماعی) می‌شود.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۵. زیبایی‌شناسی و هنر متعالی

با توجه به راهبرد «اِنّا لِلّهِ واِنّا اِلَیهِ راجِعُون»، رسالت اصلی تعالیم اسلامی، جهت‌دهی به زندگی انسان برای کسبِ قابلیت‌هایِ ورودِ به زندگیِ جاودانه اُخروی است. هنر می‌تواند با همین رویکرد در خدمت انسان باشد، کما اینکه می‌تواند با رویکرد سکولار، «آنچه را که آدمی در عالم واقعیت بدان دسترسی ندارد، در عالم خیال برایش محقق سازد» (همتی، ۱۳۸۷، ۱۷۱).

این بخش از پژوهش، در پی بیان رویکرد اجمالی آموزه‌های ایجابی اسلامی در خصوص یکی از مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی یعنی هنر است. گرچه در میان محققان اسلامی، رویکرد واحدی در این مورد وجود ندارد، اما نظریه غالب در میان صاحب‌نظران این است که:

تعالیم اسلام نه تنها ضد زیبایی نیست، بلکه به تصریح آیات قرآنی (سجده، ۷)، سراسرِ آفرینش و فعل خدا، در غایت نیکویی و جمال و زیبایی است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إن الله جمیلٌ یُحِبُّ الجمال» (کلینی، ۱۳۸۵، ۴۳۸/۶). هنر، مساوی با زیبایی نیست، ولی زیبایی، لازمِ ذاتی هنر یا فصل مقوِّم هنر است.

هنر متعالی و هماهنگ با فطرت آدمی، جزء زندگی و حقیقت انسانی است. اسلام، هنر متعالی و هماهنگ با ارزش‌های عالی انسان را نه فقط قبول کرده، بلکه تشویق کرده است. قرآن، یک اثر هنری است. نظم‌آهنگ کلمات قرآن، آنجایی هم که حتّی وزن ندارد، عجیب و بسیار گوش‌نواز است. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از شُعرایی که به حق [بودند]، ترویج کردند. قرآن از شاعری که مصداق «الَّذینَ ءامَنوا وَ عَمِلُوا الصّالِحات» (شعراء، ۲۲۴– ۲۲۷) باشد را ترویج کرده است... این روشن است که اسلام، نسبت به هنر نظر مساعد دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۱۰–۱۴). بسیاری از ائمّه‌ی ما شعر می‌گفتند (ر.ک.طبرسی، ۵۳۶، ۲۰۸/۴؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۹، ۳۹۴/۱۱؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۸، ۴۰۱/۱۴).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

برخی معتقدند: «منع مذهبی، باعث انحطاط هنر موسیقی و نقاشی، مخصوصاً در ایران بعد از اسلام گردید؛ ولی این‌گونه نیست. اسلام، سبب ترقی و تکامل هنر معماری و خاصه ایجاد مساجد بزرگ در دوره اسلامی گردیده است» (دانشور، ۱۳۷۵ش، ۶ و ۱۷۵). «اسلام در معماری و حجاری و هنر ایرانی، تأثیر شگرفی داشته است» (دانشور، ۱۳۷۵، ۶). از متون اسلامی برداشت می‌شود که اسلام نه تنها مخالفتی با اصل هنر و زیبایی ندارد، بلکه زیبایی را امری مطلوب و مُرجَّح می‌داند.

در فرازی از قرآن کریم می‌خوانیم:

«ولَکُم فیها جَمالٌ حینَ تُریحُونَ وَ حینَ تُسرِحُونَ؛ و عصرگاهان که دام‌ها را از صحرا به آغل بازمی‌گردانید و بامدادان که آنها را به چراگاه می‌برید، در آنها برای شما منظره‌ای زیباست» (نحل، ۶)

در تفسیر المیزان، جمال در این آیه به زینت و زیبایی منظر معنا شده است (طباطبایی، ۱۳۹۴ق، ۲۲۴/۱۲)؛ و «صبوری» را جمیل و زیبا توصیف می‌کند «فَصَبرٌ جَمیلٌ» (یوسف، ۱۸؛ معارج، ۵)، از موارد فوق، مطلوب و مُرجَّح بودن زیبایی و جمال دانسته می‌شود.

یکی دیگر از واژه‌های مرتبط «زُخرُف» است: «حتَّی اِذا اَخَذَت الاَرضُ زُخرُفَها وَ ازَّیَنَت» (یونس، ۲۴). زُخرُف را زینت معنا کرده‌اند (راغب، ۱۴۱۴ق، ۲۳۸). قرآن، «طلا» را زُخرُف (اسراء، ۹۳) و «قول باطلی» که ظاهرِ آن صدق است را «زُخرُف القول» نامیده است (انعام، ۱۱۲). بدین ترتیب، زُخرُف در قرآن، به زیبایی‌های ظاهری و کم‌دوام اطلاق شده است.

در قرآن کریم، واژه «زینت»، در سه مورد به کار رفته است: زیبایی باطنی مانند علم و اعتقادات نیکو (حجرات، ۷)؛ زینت جسمانی (کلینی، ۱۳۸۵ق، ۴۲۰/۴)؛ و زینت مربوط به اشیاء و دارائی‌ها (نور، ۳۱؛ کهف، ۴۶).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

در روایات، موی زیبا و نغمه یا آواز خوش را در زمره زیباترین زیبایی‌ها آورده است (کلینی، ۱۳۸۵، ۴۲۰/۲) و پیامبران را خوش‌آواز و خوش‌صوت معرفی کرده است (کلینی، ۱۳۸۵، ۲۰/۲).

۱-۵. هنر فاخر

از مجموعه آیات و روایات مربوط به موضوع زیبایی که با تعابیر جمال، زینت، زُخرُف، حُسن و حَسَن از آن یاد شده است، چنین برداشت می‌شود که قرآن کریم واقعیتی را به نام زیبایی پذیرفته و توجه بدان را به رسمیت می‌شناسد، ولی از آنجا که قرآن هدایتگر انسان به تعالی است، در پی ترغیب انسان به امور پایدار است و تلف نکردن فرصت کوتاه عمر گران‌بها برای زیبایی‌های گذرا که سبب لذت بی‌دوام، لجام‌گسیختگی غریزی و محرومیت از زیبایی‌های جاودانه می‌شود را یادآوری می‌کند.

بنابراین تعالیم اسلامی با ارضای حس زیباشناسی و بهره‌مندی از هنر فاخر که برخاسته از این گرایش فطری است، مخالفتی ندارد، بلکه آموزه‌های دینی با هر آنچه سبب سقوط انسان در گرداب گرایشات غریزی و کاهش رشد گرایشات فطری، فرو غلطیدن در گمراهی، ستمگری، شهوت‌رانی و پلیدی باشد مخالف است. هنر نیز اگر ابزار فزونی گرایشات غریزی و سبب سقوط انسان و از دست دادن قابلیت‌های تکاملی‌اش باشد، امری نامطلوب و مردود است. ولی اگر هنر، ابزار رشد و توسعه گرایشات فطری باشد در این صورت دارای منفعت عقلایی قابل توجه است. پس می‌تواند امری مطلوب و مورد تأیید و حمایت دین باشد.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۲-۵. رابطه هنر فاخر با توسعه سرمایه اجتماعی

«هنر»، در حکم یک زبان است؛ زبانِ بدیع عواطف و هیجان‌ها و منعکس‌کننده عمیق‌ترین احساسات ارواح پرتلاطم. «هنر»، از لحاظ بی‌شائبگی، برتر از زبان است و از لحاظ بین‌المللی و جهانی بودن نیز بر زبان‌های ملی برتری دارد.

آگوست کنت معتقد است که هنر، بخشی از زبان است که تمام افراد نوع بشر آن را درک می‌کنند و به معانی آن پی می‌برند. «هنر»، زبان حقیقی جهان است (شاله، ۱۳۵۷، ۶۳). از این رو، این زبان ظرفیت بالایی برای اعتمادسازی، مشارکت اجتماعی، ترغیب به گسترش روابط و تعامل، وفاق و همبستگی در میان افراد و گروه‌های اجتماعی دارد.

هنر، در خلأ پدیدار نمی‌شود و هنگامی که هنرمند روایتگر عالم خارج است، صرفاً نمایشگر دنیای درونی او نیست، بلکه نمایشِ حیاتِ باطنی هنرمند و بازتاب حیات اجتماعی اوست. از این رو، عواطفی که آثار هنری در مخاطبان ایجاد می‌نماید جنبه اجتماعی دارد و خداوند موهبتِ خلاقیتِ هنری را به انسان ارزانی داشت تا آنچه را که طبیعت و شرایط اجتماعی از او دریغ می‌دارد، او خود به کمک این موهبت الهی تهیه و تدارک ببیند (تاتارکیویچ، ۱۳۹۷، ۶).

بدین‌سان با کمک هنر می‌توان شرایط ناسازگار با توسعه سرمایه اجتماعی را در راستای سازگار شدن با توسعه این سرمایه سازگار کرد؛ زیرا هنر با زایش احساسات، تخیلات، افکار، ایده‌ها، آرزوها، آرمان‌ها، سبب افزایش ارزش‌های مشترک بین افراد و گروه‌های اجتماعی و نیز سبب همراهی، همدلی، اتحاد، وفاق، تعلق و دلبستگی بین افراد و گروه‌های انسانی به یکدیگر می‌شود و موارد فوق، بسترسازِ توسعه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، تعامل، مشارکت در جامعه خواهد شد.

آثار هنری می‌تواند اسبابِ لذت، شادمانی و نشاط مشروع و نیز آرامشِ تن و روانِ بهره‌مندانِ از آن آثار را فراهم کند. این تأثیر هنر بر مخاطب با آموختن، خندیدن، گریستن، امیدوار شدن، پشیمانی و تقویت حقّ خوش‌بینی میسر می‌شود؛ که این

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

امور هم سبب تخلیه روانی تولیدکننده اثر هنری و مصرف‌کننده آن می‌شود و جامعه مخاطبِ هنر، با این کنش‌ها، آمادگی بیشتری برای تحقق و توسعه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مانند: اعتماد، مشارکت در امور، تعاملات و روابط فردی و اجتماعی می‌یابد. آثار و کنش‌های فرهنگی هنری از قبیل کتاب، رسانه‌های دیداری و شنیداری، موسیقی، شعر تئاتر، نقاشی و فیلم... با کمترین هزینه و بیشترین قدرت و گستره نفوذ می‌تواند سبب پیدایش اعتماد، همکاری و همدلی، هنجارسازی و انسجام‌بخشی گروه‌های مختلف اجتماعی باشد.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر به شرح ذیل است:

۱. تعالیم ایجابی اسلامی، سبب توسعه مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی است و مؤلفه‌های فرهنگی، سبب توسعه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی می‌شود.

۲. میان افزایش و ارتقاء سطح دانش افراد و گروه‌ها از یک سو و توسعه سرمایه اجتماعی از سوی دیگر رابطه‌ای معنادار وجود دارد؛ زیرا هر چه افراد و گروه‌ها از سطح علمی بیشتری بهره‌مند باشند به همان نسبت از توان بیشتری برای تحلیلِ روابطِ علی و معلولی حاکم بر پدیده‌ها برخودار می‌شوند که زمینه و ظرفیت ذهنی برای ایجاد، حفظ و توسعه روابط بین افراد و گروه‌ها که جان‌مایه سرمایه اجتماعی است بیشتر خواهد شد.

۳. میان ارتقاء سطح اخلاقی جامعه و توسعه سرمایه اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد؛ زیرا هر چه افراد و گروه‌ها از سطح اخلاقی بالاتری بهره‌مند باشند، به همان میزان، خود نظارتی و خودکنترلی بیشتری نسبت به پرهیز از کجروی و اقبال به رفتارهای درست و بهنجار خواهند داشت که این امر، سبب ایجاد شرایط رفتاری مناسب برای تقویت و توسعه روابط و تعاملات، بین افراد و گروه‌ها می‌شود؛ زیرا روابط و مناسبات سالم‌تری میان افراد و گروه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد؛ و با

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

سلامت روابط، زمینه توسعه مؤلفه‌ها و عناصر سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، مشارکت و تعامل اجتماعی به مراتب فراهم‌تر است.

۴. هرگونه توسعه در ارزش‌ها و هنجارها، سبب تعالی هویت اجتماعی است. افراد و گروه‌های اجتماعی به هر میزان که احساس هویت اجتماعی بیشتری داشته باشند، به همان نسبت احساس تعلق بیشتری نسبت به مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی دارند و تلاش بیشتری برای پاسداری از سرمایه اجتماعی و توسعه آن می‌کنند.

۵. رفتارهای برخاسته از آئین‌ها، سبب آثار متعددی در تنظیم و تعدیل و تلطیف رفتار افراد و گروه‌ها در جامعه می‌شود که مجموعه این آثار به صورت مستقیم یا غیرمستقیم اسباب ایجاد، توسعه و تسهیل روابط، تعاملات بین افراد و گروه‌ها، افزایش سطح مشارکت و اعتماد اجتماعی و در آخر توسعه و تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود.

۶. هنر با ایجاد نشاط و آرامش، سبب تخلیه روانی، کاهش اضطراب، افزایش ارزش‌های مشترک در جامعه و نیز سبب همراهی، همدلی، اتحاد، وفاق، تعلّق و انسجام بین افراد و گروه‌های اجتماعی می‌شود، همه اینها بسترساز توسعه و تعمیق مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، تعامل، مشارکت در امور، تعاملات و روابط فردی و اجتماعی خواهد بود.

منابع

۱. آروست، هنری، ۱۳۸۹ش، **فایده‌گرایی جان استوارت میل**، ترجمه امیرحسین تقی پور، زنجان: آذرکِلک.

۲. آمدی، عبدالواحد، ۱۳۹۵ش، **غرر الحکم**، ترجمه محمدعلی انصاری، قم: امام عصر (عج).

۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، ۱۴۰۹ق، **شرح نهج البلاغه**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۴. احسانبخش، صادق، ۱۳۶۶ش، **آثار الصادقین**، قم: دارالعلم.

۵. برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱ق، **محاسن**، قم: دارالکتب الاسلامیه.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۶. تاتارکیویچ، ووادیسواف، ۱۳۹۷ش، **زیبایی‌شناسی افلاطون**، ترجمه سیدجواد فندرسکی، تهران: نشر علم.
۷. تالکوت، پارسونز، ۱۳۷۹ش، **ساخت‌های منطقی جامعه‌شناسی دینی ماکس وبر در عقلانیت و آزادی**، ترجمه یدالله موقنی و احمد تدیّن، تهران: هرمس.
۸. تهانوی، محمدعلی، ۱۹۹۶م، **کشّاف اصطلاحات الفنون و العلوم**، بیروت: مکتبة لبنان ناشرون.
۹. جان استوارت میل، هنری آروست، ۱۳۸۹ش، کتاب فایده گرایی، ترجمه امیرحسین تقی پور، زنجان، آذرکِلک.
۱۰. کوئن، بروس، ۱۳۷۴ش، **مبانی جامعه‌شناسی**، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: سمت.
۱۱. حکیمی محمدرضا و دیگران، ۱۴۰۰ق، **الحیاه**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۸۸ش، **اجوبه الاستفتائات**، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل الهدی.
۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۸ش، **مجموعه مقالات دومین همایش ملی فقه هنر**، قم: مدرسه اسلامی هنر.
۱۴. دانشور، سیمین، ۱۳۷۵ش، **شناخت و تحسین هنر**، تهران: کتاب سیامک.
۱۵. دورکیم، امیل، ۱۳۸۲ش، **صور بنیادین حیات دینی**، ترجمه نادرسالارزاده، تهران: دانشگاه علامه.
۱۶. دیلمی، حسن ابن محمد، ۱۴۰۸ق، **اعلام الدین فی صفات المومنین**، قم: مؤسسه آل البیت.
۱۷. الرازی، فخرالدین، ۱۴۲۰ق، **التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)**، بیروت: دار إحیاء التراث العربي.
۱۸. راغب اصفهانی، ۱۴۱۴ق، **الذریعه الی مکارم الشریعه**، قم: الشریف رضی.
۱۹. سید رضی، ۱۴۱۷ق، **نهج البلاغه**، قم: موسسه النشرالاسلامی.
۲۰. شاله، فلیسین، ۱۳۷۵ش، **شناخت زیبایی**، ترجمه علی اکبر بامداد، تهران: نشر طهوری.
۲۱. شبر، عبدالله، ۱۴۲۹ق، **الأخلاق**، تحقیق علی القصیر، کربلاء: مکتبة العتبة الحسینیة المقدسة.
۲۲. صدر، سیدمحمد باقر، ۱۴۰۶ق، **دروس فی علم الاصول**، بیروت: الکتاب اللبناني.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۲۳. طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۷ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۲۴. طبرسی، ابوعلی فضل ابن حسن، ۱۳۷۲ش، **مجمع البیان**، تهران: ناصر خسرو.

۲۵. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۸ش، **مجمع البحرین**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲۶. عاملی، الشیخ حُر، ۱۴۱۴ق، **وسائل الشیعه**، قم: مؤسسه آل البیت.

۲۷. علاء الدین علی بن حسام الدین المتقی الهندی، ۱۴۰۱ق، **کنز العمال**، بیروت: مؤسسة الرسالة.

۲۸. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق، **تفسیرالعیاشی**، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.

۲۹. غزالی، ابوحامد محمد، ۱۹۴۵م، **احیاء العلوم**، بیروت: دار المعرفة.

۳۰. فوکویاما، فرانسیس، ۱۳۸۴ش، **سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی**، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: جامعه ایرانیان.

۳۱. فکوهی، ناصر، ۱۳۸۱ش، تاریخ اندیشه و نظریه¬های انسان¬شناسی، تهران، نشر نی.

۳۲. فیالکوف، یانکل، ۱۳۹۸ش، **جامعه‌شناسی شهر**، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: آگاه.

۳۳. فیض کاشانی، ملا محمد محسن، ۱۳۸۳ش، **المحجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء**، تصحیح، علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۳۴. قرشی، علی اکبر، ۱۴۱۲ق، **قاموس قرآن**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۳۵. کلینی، محمدابن یعقوب، ۱۳۸۵ق. **اصول کافی**، ترجمه مصطفوی، تهران: انتشارات علمیه اسلامیه.

۳۶. کینگ، ساموئل، ۱۳۴۹ش، **جامعه‌شناسی**، ترجمه مشفق همدانی، تهران: امیرکبیر.

۳۷. لاهیجی، قطب الدین محمد، ۱۳۹۰ش، **تفسیر شریف**، تهران: انتشارات علمی.

۳۸. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۵ش، **میزان الحکمه**، قم: دارالحدیث.

۳۹. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۹ش، **دانش‌نامه امیرالمؤمنین (ع) بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ**، قم: دار الحدیث.

۴۰. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۸ش، **دانشنامه امام حسین (ع)**، قم: دار الحدیث.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۴۱. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۱۵ق، **بحارالانوار**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۴۲. مسلم بن حجاج نیشابوری، ۱۴۰۱ق، **الصحیح**، بیروت: دارالرائد العربی.

۴۳. مصباح یزدی، ۱۳۸۹ش، محمدتقی، قرآن‌شناسی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ سوم.

۴۴. مکارم ناصر، ۱۳۷۴ش، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

۴۵. مولوی جلالدین، محمد، ۱۳۷۸ش، **مثنوی**، دفتر۳، تهران: نشر محمد.

۴۶. النجفی، محمدحسن، ۱۴۳۲ق، **جواهر الکلام**، قم: موسسه النشر الاسلامی.

۴۷. النراقی، محمدمهدی، ۱۳۸۳ق. **معراج السعادة**، النجف: جامعه النجف.

۴۸. ورام، بن ابی فراس، ۱۴۳۶ق، **تنبیه الخواطر**، کربلا: العتبه الحسینیه المقدسه.

۴۹. هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۷۱ش، **تفسیر راهنما**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۵۰. همتی، همایون، ۱۳۸۷ش، **فهم هنر و هنر فهم**، تهران: نشر پرسش.

۵۱. رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۷۸ش، «**تغییر ارزش‌ها در آیینه سینما و مطبوعات**»، نامه پژوهش، شماره ۱۴و ۱۵، صص۵ـ۳۰.

۵۲. اکبرزاده، فاطمه و همکاران، ۱۳۹۲ش، «**بررسی تأثیر سه نوع سرمایه اقتصادی، فزهنگی و اجتماعی بر شادی جوانان**»، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۴۹، صص۶۷–۸۸.

۵۳. بهرامی، هادی، ۱۳۹۹ش، «**اثربخشی آموزش هوش معنوی بر تعهد سازمانی به عنوان مؤلفه اخلاق حرفه‌ای و بهره‌وری در مدیران**»، *فصلنامه اخلاق در علوم و فنّاوری*، شماره۴، صص۳۹–۴۷.

54. Bourdieu, P (1986), The forms of capital, in j، G، Richardson, Handbook of Theory and Research for Sociology of Education, New York، Greenwood Press.
55. Harker R."Education and Cultural Capital", in: Harker, R. Mahar C. and Wilkes C (eds) ,An Introduction to the Work of Pierre Bourdieu: The Practice of Theory, London: Macmilan Press, 1990, p.13.
56. Turnbull, J.,Lea, D., Parkinson,D.,Phillips, P., Fracis, B., Webb, S.,..& Ashby, M. (2010). Oxford advanced Learner's dictionary. Internationnal Studdent' Edition.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]